

ژان کلود کرییر
ترجمه 'مریم حیدری'

تحول کلیسای مسیحی از قرن سوم تا هفتم

LES PORTEURS DE LUMIÈRE

de Nahal Tajadod.

présentation de J.- c. Carrière

Coll. «le doigt de Dieu»,

Plon, 370p., 130F

NAHAL TAJADOD

LES PORTEURS
DE LUMIÈRE

I

Péripéties de l'Église chrétienne de Perse
III^e-VII^e siècle

Présentation de Jean-Claude Carrière

۲۰۰

مدتها بود که دهقانان ناحیه‌ای در کشور چین هنگام کار تکه پاپیروس‌های کهنه‌ای را می‌یافتند که بر روی آنها علامتهایی نقش بسته بود. بیشتر اوقات، آنان این دست‌نوشته‌ها را به گوشه‌ای پرتاب می‌کردند، زیرا از خواندن آنها عاجز بودند. گاهی آنها را نزد مرد دانا می‌بردند که به نظر آنها از چیزهایی که دیگران نمی‌دانستند، باخبر بود. اما او نیز نمی‌توانست راز این نوشته‌های قدیمی، مندرس و گل‌آلوده را بگشاید. بعضی‌ها از خود می‌پرسیدند آیا این زمین نیست که از این طریق پیامهایی را برای مردمان این ناحیه می‌فرستد؟

در گوشه و کنار کوهها، عبادتگاههایی بود که در دل صخره‌ها بنا شده بود. و برخی از آنها بسیار مشهور بودند مانند غار هزار بودا. زائران از اطراف و اکناف چین و گاهی از سرزمینهای دوردست به این ناحیه می‌آمدند. تاجران نیز به آنها ملحق می‌شدند زیرا زیارتگاهها همواره برای تاجرپیشگان از جذابیت خاصی برخوردار بوده‌اند. هنگامی که تکه‌های فرسوده پاپیروس را به

زائران نشان می‌دادند، بعضی با احترام این تکه‌ها را به نشانه بوسه به لبهای خود نزدیک می‌کردند. یک روز، مردانی از آن سوی دنیا به این ناحیه آمدند. این ماجرا در اوایل قرن بیستم روی داد. آنها با اندامی بلندتر و چشمانی نافذ و درخشان از ساکنان این ناحیه متمایز بودند، پوششهای آنها با دیگران تفاوت داشت و با زبان نامفهومی سخن می‌گفتند. این مردان توانستند از راز این دستنوشته‌ها پرده بکشایند و آنچه بر روی این کاغذها نوشته شده بود، بخوانند. برخی از آنها به زبان چینی تکلم می‌کردند و از مردم می‌خواستند این کاغذها را در اختیارشان بگذارند. آنان کاغذها را پاکیزه و منظم می‌کردند و شبها در چادرهای گرمشان، ساعتها به بحث و تبادل نظر می‌گذراندند.

گاهی، این باستان‌شناسان فرانسوی و آلمانی غارهای مسدود را می‌گشودند و در آنجا کنده کاری‌ها و نقاشیهای مربوط به هزاره اول را می‌یافتند. در سال ۱۹۰۸، یک فرانسوی به نام پل پلیو، سرانجام توانست به آرزوی دیرین خود برسد و آنچه به زندگیش شور و هیجان می‌بخشید، بیابد. این دانشمند جوان پس از دیدن یک «غار - کتابخانه» که از قرن یازدهم به بعد بسته شده بود، پانزده تا بیست هزار عدد از این دستنوشته‌ها را که به ده زبان گوناگون شرقی نوشته شده بود، شناسایی کرد. در این دست‌نوشته‌ها از همه چیز سخن گفته شده بود، مثلاً از زندگی مذهبی پیشین که تا به امروز ناشناخته و مسخ شده، باقی مانده بود. پلیو، طی سه هفته در زیر نور شمع، فهرستی از دستنوشته‌ها تهیه کرد. او حدود هفت‌هزار تکه را انتخاب کرد و آنها را از سران چین خرید و به فرانسه برد.

پس از گذشت بیش از هشتاد سال، هنوز تمام این دستنوشته‌ها ترجمه نشده‌اند. به جز برخی از آثار عالمانه و مقاله‌های تخصصی، تا به امروز در هیچ کتابی سعی نشده است این کشف فوق‌العاده - که از نقطه‌نظرهای گوناگون، تاریخ مذهبی سده‌های آغازین عصر ما را از آسیای صغیر تا چین زیر سؤال می‌برد - به مردم شناسانده شود.

همچنین با گذشت قرن‌ها، تصویری که از مانویان ارائه شده است، درست بر خلاف واقعیت است. دستنوشته‌های کشف‌شده در غار که پیش از قرن یازدهم نگاشته شده، متنهاي اصیل و واقعی‌ای را به ما عرضه می‌کنند که به وسیله مؤمنان برای مؤمنان نوشته و به گونه‌ای معجزه‌آسا حفظ شده‌اند.

کتاب حاملان نور (تحول کلیسای مسیحی ایران از قرن سوم تا هفتم) داستانی است اعجاب‌انگیز، با پرسوناژهایی شگفت‌آور. نویسنده این کتاب، نهال تجدد، ایرانی است و زبان چینی را به خوبی می‌داند. وی از دستنوشته‌های کشف‌شده و همچنین از منابع سنتی، غربی و شرقی بهره جسته و روابط ایران و چین را در قرنهای سوم تا هفتم از دیدگاه جنبش مذهبها بررسی کرده است. در جلد نخست که قرن سوم تا هفتم را دربر می‌گیرد (یعنی پایان حکمفرمایی روم و آغاز پیروزی تابناک اسلام)، نویسنده ما را با «تحولات» کلیسای مسیحی ایران آشنا می‌کند. جلد

دوم از پیش‌برندگان مسیحیت ایرانی تا چین، گروه مردان و زنانی که «حاملان نوره» نامیده می‌شوند، سخن می‌گویند.

اگر بگوئیم این واقعه به درستی شناخته نشده است، کم گفته‌ایم. باید اقرار کنیم: ما کاملاً از آن بی‌خبریم. حتی در غرب، دوران بین امپراطوری روم تا قرون وسطی، ناشناخته مانده است و این قرن‌ها مورد انزجار مردم و مبهم و تار هستند.

و در مورد شرق نیز این مسأله بیشتر صادق است. شکوه امپراطوری ساسانیان (از قرن سوم تا هفتم)، جنگ‌های مکرر در برابر بیزانس، تأسیس کلیسای مسیحی مستقل در ایران، تمامی اینها برای ما ناشناخته مانده‌اند. در هر صفحه‌ای از این کتاب با کشفی تازه و با یک شگفتی روبرو می‌شویم.

به رغم پیشرفتهای تحقیقات تاریخی، بی‌تردید، ما نمی‌توانیم نمونه‌ای بیابیم که به طور دقیق و نزدیک به واقعیت، از دنیای پیشین سخن بگوید. مدتهاست که ما این دنیا را از زیر نقاب دنیای امروزمین می‌بینیم. در قرن بیستم، سینما صرفاً از شکوه و جلال دورانهای قدیم سخن می‌گوید. ما گذشته را از خلال فیلمهای ایتالیایی و آمریکایی می‌بینیم. البته کار سینماگران همیشه تصنعی نیست. پاره‌ای اوقات (هوارد هاگز، استانی کوبریک) آنها می‌توانند کار تاریخ‌نگار را تصریح کرده و وسعت بخشند و حتی آنرا زیر سؤال ببرند. اما به هر تقدیر، این تصویر ساخته خود ماست و ما با بی‌خبری آنرا در نوشته‌هایمان منتقل می‌کنیم.

و در مورد ایران قدیم نیز چنین است: غرب چگونه آنرا می‌بیند؟ غرب فقط ویرانه‌های دوران باستان، مانند پرسپولیس را می‌بیند که گذشت قرن‌ها، شکوه نخستین آنرا باز گرفته است.

مینیا تورهای ایرانی نیز از دوران ساسانی، فقط مغولها را نشان می‌دهند و هرچند ظرافت و مهارت اجرا در آنها مشهود است اما کاملاً قراردادی باقی می‌مانند.

پس چگونه می‌توان ایران قرن سوم یا چهارم را تصور کرد؟ مشخصه‌هایی که در تاریخ آمده است، همواره باشکوه و تابناک هستند. و بی‌شک، این میل ایرانی به تجمل‌گرایی، که غالباً ملت‌های دیگر را شگفت‌زده می‌کند، از یک سنت سرچشمه می‌گیرد، از تمایل ژرفی که تا قرن بیستم ادامه دارد. اما نمایش این تجمل‌گرایی به طور مستقیم همواره دشوار بوده است زیرا این کار بدون تصاویر تولیدات سینمایی که در آن سالنهای بزرگ قصرها با نور برق روشن شده‌اند، امکان‌پذیر نیست. از طرفی، هر کس می‌تواند طرز تلقی خاصی در باب تجمل و مکتب داشته باشد. در ایران، میل به تجمل‌گرایی (که شاعران صوفی غالباً آنرا بی‌بها دانسته‌اند) همواره همراه با دعوت همیشگی به سوی وارستگی و زندگانی ساده بوده است.

هرگونه اقدام به نمایش تاریخ - به وسیله کلمات، قلم‌موی نقاشی، دوربین فیلمبرداری - خطر آفرین است. زیرا این اقدام به دیدگاه امروزمین ما وابسته است.

پس از سی سال بدیهی است که مرموزترین و جذابترین تاریخها، تاریخ طرز فکرهاست،

که اقدامی است گریزناپذیر اما خطرناک. زیرا همواره دیگری است که دربارهٔ این یا آن طرز فکر گفت‌وگو یا قضاوت می‌کند. به تمامی اینها خودمحموری تاریخی نیز افزوده می‌شود که این امر دو قرن است که در اروپا پس از کسب «موفقیت‌های» نوین شدت یافته است. ما معمولاً گذشته را از خلال زمان حال می‌بینیم، گویی قرن‌ها صرفاً برای پیش بردن ما به سوی برتری، سپری می‌شوند و فراموش می‌کنیم که چه بسا این برتری نیز مانند برتری‌های دیگر فناپذیر و زودگذر است.

یکی از ارزشهای برجسته کتاب حاضر، این است که دیدگاه ما را متحول می‌کند. اروپا دیگر در وسط نقشهٔ جغرافیایی نیست. ما چندین هزار کیلومتر به سوی شرق رفته‌ایم و مرکز جهان در خاور نزدیک جای می‌گیرد. دو قدرت بزرگ که بر سر امپراطوری با هم جدال می‌کنند، روم (بیزانس) و ایران نام دارند. همه چیز حول محور این نزاع دائمی که گاه خاموش و گاه شعله‌ور می‌شود، می‌گذرد. اروپا سرزمینی است گمنام و وحشی. و اما در مورد فرانسه که بسیار کم از آن گفته می‌شود. این کشور در بالای نقشهٔ جغرافیا، در سمت چپ با جزایر برتانی قرار دارد. در آنجا نیست که تاریخ نگاشته می‌شود.

سرانجام هرچند زمان حال، گذشته را با حدود، معیارها و سلیقه‌های خود می‌سنجد، حوادث و احساسات پیشین هرگز به طور کامل محو نمی‌شوند و کم‌وبیش در بخشهایی از وجود ما به حیات خود ادامه می‌دهند. به عبارت دیگر زمان حال از گذشته شکل می‌گیرد. به این جهت، انواری که این کتاب بر روی پایان هزارهٔ ما می‌افکند، بسیار واضح و روشنند. زیرا همان جنجال‌های روحی، به سوی همان ظلمها، تعصبا و کشتارها رهنمون می‌شوند.

و اکنون فرصتی به دست آورده‌ایم تا بار دیگر از خود پرسیم از کجا آمده‌ایم؟ چگونه در طی قرون فراموش شده، افکاری زاده شدند که هنوز هم ما را به این شدت تکان می‌دهند؟ هزاران سؤال در ذهن نقش می‌بندد: چگونه یک دین به وجود می‌آید؟ چگونه منتشر می‌شود؟ کجا می‌توان نشانه‌های واقعی خداوند راستین را یافت یا دست‌کم نشانه‌های زندگی واقعی را؟ آیا می‌توان با فرهنگهای متفاوت در صلح و آرامش زیست؟ این کتاب مخفیانه اما مصرانه، آیینهای کهن را به ما می‌نمایاند که گاه تیره و کدر است و در این آیین، چهره ماست که هر لحظه منعکس می‌شود.

در این داستان از شکنجه‌های باورنکردنی، جنگهای احمقانه، خیانت‌های آشکار یا پنهان، تبعید، وحشت و معجزه و همچنین از شجاعت، نیایش واقعی و حتی شبهای پرشور عاشقانه گفت‌وگو شده است. و این راهی است کهن که ما سالکان همیشگی آنیم. هنوز آرزوهای پیشین ما را هدایت می‌کنند و حتی برای بعضی‌ها، همان رؤیایا به سوی همان شفقتها و یا همان وحشی‌گری‌ها رهنمون می‌شوند.